

بررسی رابطه حکمرانی متعالی و رشد اقتصادی

پوریا رحیمی

چکیده

آنچه منجر به تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها میشود، میتواند نحوه حکمرانی باشد، حکمرانی متعالی به مثابه یک پارادایم نوین، پارادایم‌های پیشین مدیریت دولتی را به چالش کشانده و ارزش‌های نوینی پیرامون نحوه کار دولت و تعامل این بخش با بازار و جامعه مدنی بر مدیریت دولتی افزوده است. حکمرانی خوب که شامل شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و بدون خشونت، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد است از محیط سرمایه‌گذاری حفاظت کرده و زمینه رشد را فراهم می‌کند. این مقاله به بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی پرداخته است. روش بررسی کتابخانه‌ای بوده و از روش توصیفی تحلیلی برای تحلیل استفاده شده است. نتایج بررسی‌های منابع نشان داد که بین تورم و مخارج مصرفی دولت با رشد اقتصادی رابطه منفی و بین نیروی کار و باز بودن تجاری با این متغیر رابطه مثبتی وجود دارد و رابطه‌های شاخصه‌ای حکمرانی متعالی با رشد نیز مثبت است. به معنی که با افزایش و کاهش کیفیت حکمرانی رشد اقتصادی نیز افزایش یا کاهش پیدا می‌کند.

کلمات کلیدی: حکمرانی، حکمرانی متعالی، رشد اقتصادی

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین اهداف همه نظام‌های اقتصادی دستیابی به رشد اقتصادی است. این هدف اقتصاددانان را بر آن داشته است که به دنبال عوامل تأثیرگذار بر رشد باشند، اینکه چه عواملی رشد را تسریع می‌کند؟ تفاوت رشد در کشورها از کجا ناشی می‌شود؟ چرا برخی کشورها فقیر و برخی دیگر ثروتمندند؟ مدل‌های اولیه رشد تنها به بررسی عوامل اقتصادی رشد، همچون حجم سرمایه، تعداد نیروی کار، جمعیت و

می‌پرداختند. اما با پیدایش مکتب نهادگرایان که رشد اقتصادی را محدود به عوامل اقتصادی نمی‌دانستند، عوامل نهادی نیز وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد شده و از مؤلفه‌های مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی گردید. عوامل نهادی دربرگیرنده مفاهیمی مانند، ماهیت حکومت، نهادها و فرایندهای موجود در جامعه، میزان ثبات رژیم حاکم، کنترل فساد در دستگاه اداری و موضوعاتی از این قبیل می‌شود که از آن‌ها به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب یاد می‌شود. در حال حاضر این شاخص‌ها مقیاسی برای سنجش تفاوت‌های نرخ رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌روند (جلالآبادی و بهرامی، ۱۳۸۹).

نورث و وینگاست (۱۹۸۹) معتقدند نهادهای سیاسی مبتنی بر کنترل و توازن مانع از این می‌شوند که دولت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران دید فرصت‌طلبانه داشته و منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. در باب سرمایه‌گذاری خارجی نیز یک اجماع در حال شکل‌گیری است که جریان سرمایه خارجی به کشورهای درحال توسعه با توجه به سیستم حکمرانی کشورها است. به عبارت دیگر جریان ورود سرمایه خارجی به کشورهای با وضعیت حکمرانی خوب وضعیت بهتری داشته و این مسئله در رشد اقتصادی این کشورها تأثیر بسزایی دارد. مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی نیز نشان‌دهنده آن است که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، مستلزم تحقق حکمرانی خوب است. از سوی دیگر بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر روی رشد اقتصادی مستلزم در اختیار داشتن معیارهایی برای سنجش می‌باشد. در اکثر مطالعات صورت گرفته در این زمینه از شاخص‌های معرفی شده توسط بانک جهانی استفاده شده است. سؤالی که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن است این است که با توجه به مطالعات انجام شده آیا شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی تأثیرگذار هستند؟

۱- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد اما در طول دهه‌ی ۱۹۰۸ با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از دولت اشاره دارد. شکل‌گیری حکمرانی خوب به دلیل غالب شدن پارادایم‌های نوین در عرصه سیاست و مدیریت بود. تغییر در اداره امور که هم به لحاظ هنجاری و هم از نظر عملی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی ایجاد شد، امکان پا گرفتن مفاهیمی چون مشارکت شهروندان و توانمندسازی را به وجود آورد. شرایط بحرانی اقتصادی در دهه ۱۸ که با تحولات گسترده اجتماعی همراه بود، سنگ بنا و پیش‌زمینه حکمرانی خوب است (علی بیک، ۱۳۹۲). افزایش شدید فقر و نابرابری در اواخر دهه ۱۹۰۸ که از پیامدهای الگوی دولت حداقل بود، باعث شد تا بانک جهانی به این نکته دست یابد که مسئله حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان موضوع کلیدی در توسعه است. این موضوع به تدریج در بانک جهانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، به طوری که گزارش سالیانه توسعه جهانی در سال ۱۹۹۱ به مسئله دولت اختصاص یافت. موضوع محوری در این گزارش نقش دولت در بهبود وضعیت اقتصادی و راهکارهای توانمندسازی دولت بود. کارشناسان بانک جهانی با ارائه شواهد مختلف نشان دادند که موفقیت سیاست‌های اقتصادی بستگی به توانمندی و قابلیت‌های دولت دارد و بدون وجود ظرفیت‌های لازم در دولت، آزادسازی‌های مالی به بحران پولی و بانکی می‌انجامد. در این دوره بود که ایده تغییر ساختار حکومت مطرح شد. بر اساس تحقیقات اندرسون و ون کاپمن، سیستم‌های مدیریتی در دهه‌های اخیر با توجه به مشارکت شهروندان، از حکومت به حکمرانی تغییر یافته است (آدینه وند، ۱۳۹۲).

حکمرانی خوب اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری به شکلی پاسخ‌گو و کارآمد است و آمارهای سازمان‌های جهانی بیان‌گر این است که حکمرانی خوب، یکی از بهترین برنامه‌ها و شیوه‌های سیاسی برای رسیدن به توسعه اقتصادی است (محمودی و رونقی، ۱۳۹۲). حکمرانی خوب به‌عنوان یک بنیان قوی برای ایجاد اصلاحات دولتی به‌ویژه از طریق ایجاد تعاملات فرهنگی، فکری و فناورانه در میان کارکنان به کار می‌رود (Mohamed & et al, ۲۰۱۴) و مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۸ در ادبیات توسعه به‌عنوان کلید معمای توسعه مطرح شده است (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲). و به‌عنوان یک عنصر بسیار مهم برای پیشبرد راهبردهای توسعه پایدار در کشورهای مختلف گنجانیده شده است که پاسخ‌گویی، شفافیت، کارایی و حاکمیت قانون را در همه سطوح ترویج می‌دهد و باعث مدیریت کارآمدتر منابع انسانی، اقتصادی و مالی می‌شود (Kardos, Mihaela, ۲۰۰۷). حکمرانی خوب یعنی شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت، و ارتقاء تساوی افراد در برابر قانون (Lockwood, ۲۰۱۴). هدف حکمرانی خوب توسعه پایدار منابع انسانی و تأمین رضایت معنوی و مادی یا رفع نیازهای اساسی و حمایت از حقوق اساسی از قبیل آزادی و گسترش دایره انتخاب است (دانایی فر، ۱۳۹۳).

۲-۱- شاخص‌ها حکمرانی خوب

۱- شاخص کنترل فساد جنبه قابل‌تأمل در این بخش است. به عبارت «پرداخت‌های اضافی جهت انجام کارها» فراوانی دیگر فساد

رفتاری را شامل می‌شود که در پی آن افراد صاحب قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی به‌عنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره می‌برند (Kaufmann et al., ۲۰۰۲). این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را در برمی‌گیرد (Avram, ۲۰۱۴).

۲- حاکمیت قانون اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت با این شاخص

ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم‌های خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش‌بینی عملکرد محاکم قضایی، در یک جامعه مدنظر است (Kaufmann et al., ۲۰۰۲).

۳- کیفیت مقررات در کیفیت مقرراتی، مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر سیستم بانکی و مواردی از قبیل عدم تحمیل فشار بر

صاحبان کسب‌وکار به‌منظور توسعه تجارت مدنظر قرار می‌گیرد (Kaufmann et al., ۲۰۰۲). به‌عبارت‌دیگر، منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. حضور هر چه بیشتر بخش خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین‌شده از سوی دولت نشان از حکمرانی بهتر دارد (Austrian Development, ۲۰۱۱, Agency).

۴- اثربخشی دولت در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانان شهری و میزان استقلال

خدمات شهری از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد (Kaufmann et al., ۲۰۰۲).

۵- اعتراض و پاسخگویی اعتراض و پاسخگویی به مفهوم میزان و درجه توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت خود

است یا به عبارتی میزان و درجه این‌که رئیس دولت، رئیس حکومت یا سایر افراد دارای مقام سیاسی در کشور از طریق انتخابات آزاد از سوی مردم انتخاب شوند. این شاخص از طرف دیگر نمایانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص، هرچه

مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکم داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل‌ها و انجمن‌ها و نظایر آن‌ها در جامعه بیشتر باشد، و رسانه‌های جمعی استقلال داشته باشند و افرادی که زمامدار جامعه هستند و قدرت را در جامعه در اختیار دارند، پاسخگوی اعمال خود باشند، و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است (۲۰۰۲ Kaufmann, Kraay & Lob).

۶- ثبات سیاسی ثبات سیاسی آن است که به چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا

ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. در اینجا عواملی همچون تروریسم و خشونت‌های سیاسی مدنظر هستند. بر اساس این شاخص، هر چه احتمال عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند. در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی نیز مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هر چه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است. شاخص ثبات سیاسی همچنین نشان‌دهنده عدم وجود خشونت در جامعه می‌باشد. چندین معیار در محاسبه این شاخص به کار می‌رود که به ارزیابی بی‌ثباتی دولت و یا احتمال براندازی آن از طریق ابزارهای خشن و غیر مدنی می‌پردازد و اعمال دیگری مانند شورش‌های داخلی، تروریسم، کودتا و ترور را نیز در برمی‌گیرد (سامتی، ۱۳۹۰).

۲- رشد اقتصادی

به تغییر کمی هرمتغیر طی یک دوره معین زمانی، رشد (Growth) گفته می‌شود (متوسلی، ۱۳۸۲). رشد، افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به‌منظور افزایش عرضه کل جهت تأمین نیازهای جمعیت است (تودارو، ۱۹۹۹). در واقع رشد اقتصادی هر کشور، بیان‌گر رشد مداوم تولید است؛ که در اغلب موارد، با افزایش جمعیت و یامعمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است. (کوزنتس، ۱۹۹۳). به‌یقین می‌توان اظهار داشت که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته، مگر آن‌که رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های اقتصادی آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن باشد (یوسفی، ۱۳۸۶).

مورخان، دوران مریکانتالیسم را به‌عنوان سرآغاز دوران نوین ارتباط کشورهای اروپای غربی با دنیای جدید یاد می‌کنند. این ارتباط، باعث شد تا دانش بشری به‌طور گسترده‌ای رشد کند. در این زمان، هدف اصلی

مطالعات اولیه اقتصاد، رشد، به معنی تولید رو به افزایش ثروت ملی بوده است. با این همه در این دوران هیچ‌گونه نظریه‌پردازی صورت نگرفت. آدام اسمیت که گاهی پدر علم اقتصاد خوانده می‌شود، کتاب خود را در سال ۱۷۷۶ "ماهیت و علل ثروت ملت‌ها" عنوان کرد؛ تعلق آهنگ متفاوت پیشرفت در کشورها را مورد بررسی قرار دهد. مسائل رشد در اقتصاد کلان، مشغله عمده اقتصاددانان کلاسیک در سده ۱۸ و ۱۹ بوده است (تیرل وال، ۱۹۹۹).

۲-۲- شاخص‌های رشد اقتصادی

۱- تولید ناخالص داخلی:

بنیاد هریتیج هر ساله درجه آزادی اقتصادی کشورهای جهان را اندازه‌گیری می‌کند و آن‌ها را در ۵ گروه اقتصاد آزاد، اقتصاد تقریباً آزاد، اقتصاد آزاد متوسط، اقتصاد تقریباً بسته، و اقتصاد بسته طبقه‌بندی می‌نماید. این بنیاد برای اندازه‌گیری درجه آزادی اقتصادی کشورها از ۱۰ شاخص استفاده می‌کند که شاخص "مخارج دولت" چهارمین شاخص از شاخص‌های ده‌گانه است. میزان مخارج دولت (درصد از GDP) در بسیاری از مطالعات اقتصادی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیاد بودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی (G/GDP) نشان‌دهنده بزرگ‌تر بودن اندازه دولت است. هر چه این شاخص کوچک‌تر باشد نشانگر آزادی بیشتر است.

یکی از معیارهای اندازه‌گیری در اقتصاد است. تولید ناخالص داخلی دربرگیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود (نیلی، ۱۳۸۸). در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته‌اند و خود آن‌ها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند.

۲- آزادسازی مالی:

امروزه آزادسازی مالی به‌عنوان یکی از ابزار تقویت سیستم مالی و ایجاد تحول در ساختار مالی کشورها از طریق رقابت‌پذیرتر کردن آن مورد توجه قرار گرفته است. آزادسازی مالی فرایندی است که در تبیین روابط مالی بین‌المللی و جهانی بین کشورها نقش مؤثری را ایفا نموده و با سایر فعالیت‌های اقتصادی ارتباطی تنگاتنگ دارد. به‌علاوه، آزادسازی مالی مفهومی است که به افزایش و گسترش ارتباطات جهانی کشورها از طریق جریان‌های مالی بین‌المللی و سرمایه‌ای اشاره دارد (پراساد و دیگران، ۲۰۰۳). در این صورت، عواملی مانند جریان‌های بین‌المللی ۱۴ سرمایه، همگرایی مالی کشورها، گسترش روابط مالی منطق‌های و بین‌المللی، شکل‌گیری بلوک‌ها و نواحی مالی منطق‌های و بین‌المللی، آزادسازی و همگرایی در نرخ‌های بهره‌ی منطق‌های و بین‌المللی، آزادسازی نرخ ارز و تشکیل اتحادیه‌های پولی، عملکرد نهادهای مالی و کاهش کنترل‌ها می‌تواند منجر به توسعه‌ی آزادسازی مالی شود.

۳- تورم

هرچند تعاریف متعددی از تورم وجود دارد ولی به صورت کلی می توان آن را به صورت افزایش سطح عمومی قیمت ها که غالباً حالتی نامتناسب، مداوم و برگشتناپذیر دارد تعریف کرد. لازم به ذکر است که در محاسبه تورم ملامتوسط تغییر قیمت کالاها در کل اقتصاد مورد نظر است و ثانیاً رشد قیمت هر یک از کالاها با وزنی مناسب در محاسبه رشد شاخص تورم لحاظ می شوند به عبارتی شاخص تورم رشد موزون قیمت کالاها در کل اقتصاد را بیان می کند. طبقه بندی تورم نیز می تواند از جنبه های مختلف صورت گیرد که عبارتند از:

- ۱- طبقه بندی تورم بر مبنای عوامل ایجاد کننده آن:

شامل تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه، ناشی از واردات و عوامل ساختاری.

- ۲- طبقه بندی تورم بر مبنای نسبت افزایش قیمت ها به افزایش حجم پول:

شامل تورم باز (آشکار) که در آن قیمت ها سریع تر از حجم پول در جریان هست و تورم بسته (مهارشده) که در آن میزان افزایش قیمت ها کمتر از افزایش پول در جریان است.

- ۳- طبقه بندی تورم بر مبنای متناوب (ادواری) یا عارض های (مقطعی) بودن افزایش قیمت ها:

تورم ادواری مربوط به دوران رونق چرخه های تجاری و تورم عارضه ای ناشی از عوامل غیراقتصادی مانند جنگ، بلایای طبیعی و ... هست.

رابطه حکمرانی خوب و رشد اقتصادی:

به عقیده اقتصاددانان نهادگرا تفاوت کشورها در سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تکنولوژی عوامل سطحی تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی می باشند و نهادها عامل بنیادین تعیین کننده رشد و توسعه جوامع هستند. با آنکه بحث های نظری در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی جوامع به ویژه بر فرایند رشد و توسعه آن ها از دهه ها قبل صورت پذیرفته است اما مباحث تجربی سابقه چندانی ندارد و تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد محققین به آزمون تجربی تأثیر نهادها یا به عبارت دیگر حکمرانی بر رشد اقتصاد پرداخته اند. از جمله اولین مطالعات تجربی در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی توسط نک و کیفر (۱۹۹۵) صورت گرفته است. آن ها در مقاله خود به ارتباط بین نهادها، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی پرداختند که مطالعات حاکی از آن است که نهادها یا همان حکمرانی تأثیر زیادی بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی داشته است. بر اساس نظر اقتصاددانان نهادگرا، نهادها از آن حیث مهم اند که سبب ساختارند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند. مهم ترین کارکرد نهادها کاهش عدم اطمینان و هزینه های مبادله در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است. نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، ارتقا انگیزه های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک پذیری و خطر جویی واسطه های مالی، کاهش نا اطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، ارائه شبکه تأمین اجتماعی و ارتقا پاسخ گویی و انتقادپذیری حاکمان، مجموعه ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را فراهم می کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و بنگاه های اقتصادی به انباشت سرمایه و تولید محصول می پردازند. بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید، نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله عوامل اولیه اصلی تعیین کننده انگیزه ها و تمایلات افراد رأی سرمایه گذاری فیزیکی و کسب مهارت

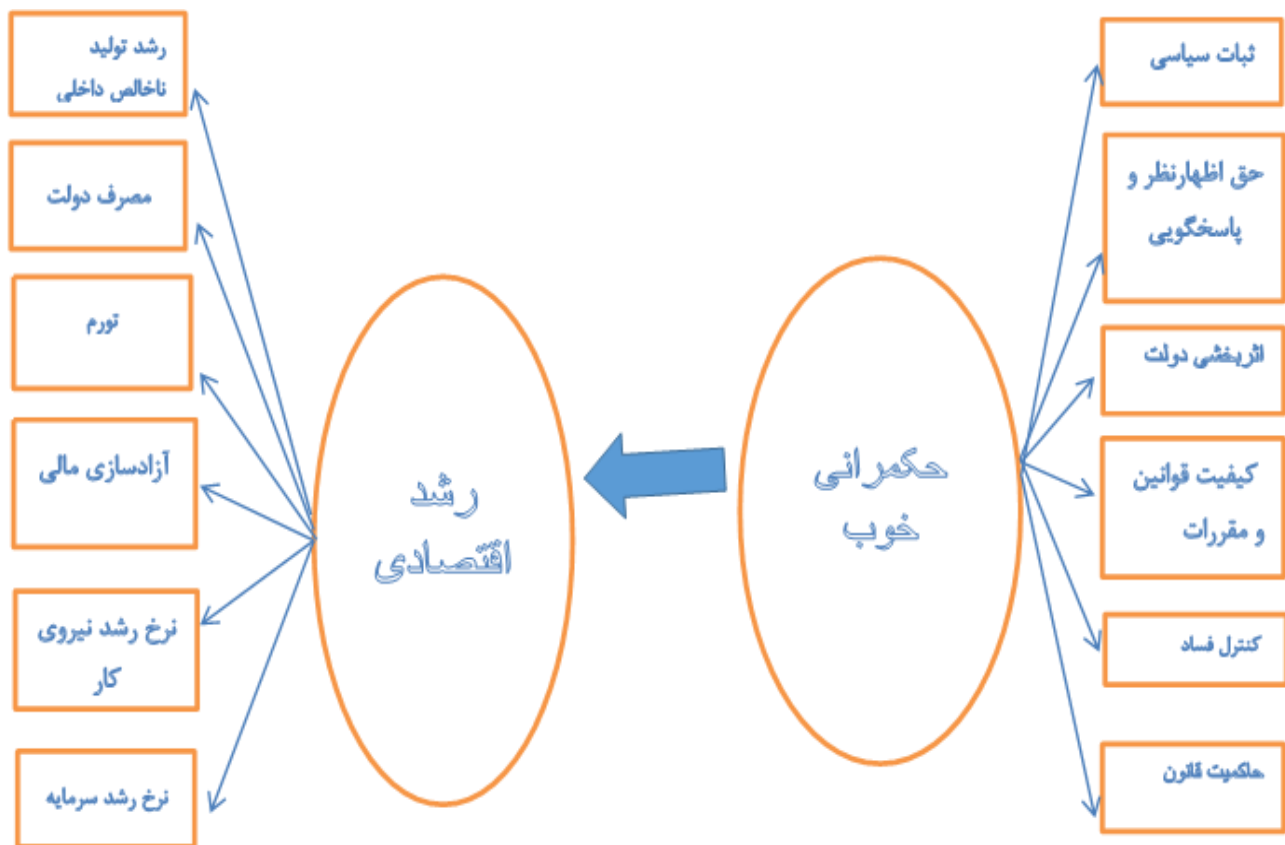
و فن آوری در جامعه هستند که همه این عوامل منجر به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر و درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت می شود (Noeth, ۱۹۹۰).

مدل مفهومی:

مبانی تئوریک پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای از مقالات و کتب مرتبط استخراج شده، همان گونه که در مدل (شکل ۱) زیر مشاهده می شود، با استنباط از مطالعات گذشته در این باره زیرمتغیرهای هر کدام از این دو متغیر به طور تقریبی و کلی به صورت زیر استخراج شده و رابطه بین آن‌ها به صورت توصیفی تحلیل شده است.

مدل مفهومی

حکمرانی خوب و رشد اقتصادی دو متغیر اصلی در این پژوهش هستند. حکمرانی خوب دارای شش شاخص ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد می باشد که از طریق این شش شاخص بر رشد اقتصادی که آن نیز شامل زیر متغیرهایی رشد تولید ناخالص داخلی، مصرف دولت، تورم، آزادسازی مالی، نرخ رشد نیروی کار، نرخ رشد سرمایه اثر می گذارد. شاخص حق پاسخگویی و اظهارنظر که می توان آن را شاخص دموکراسی دانست بر رشد اقتصادی اثر مطلوب داشته چراکه حقوق مالکیت که در حالت دموکراسی بهتر تأمین می شود انگیزه‌های برای انجام فعالیت اقتصادی است و هرچه فعالیت اقتصادی بیشتر باشد رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد. شاخص‌های حاکمیت قانون و کیفیت مقررات و ثبات سیاسی نیز اثر مثبت بر رشد می توانند داشته باشند. عدم ثبات سیاسی منجر به کاهش اطمینان او ایجاد عدم اطمینان می شود که این امر سرمایه گذاری را که یکی از اجزای کلیدی در رشد اقتصادی می باشد را متأثر می کند و در صورت وجود نا اطمینانی سرمایه گذاری کاهش و رشد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت . کنترل فساد نیز می تواند بر رشد اقتصادی مؤثر باشد چراکه افزایش فساد انگیزه انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط نیروی کار مولد را کاهش می دهد و کاهش این امر منجر به کاهش سرمایه گذاری در سرمایه انسانی می شود و موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می آورد.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

نتیجه‌گیری:

تفاوت در عملکرد رشد اقتصادی کشورهای مختلف با بررسی صرف مانند، حجم سرمایه، تعداد نیروی کار، جمعیت و قابل توضیح نبوده و این موضوع نشان‌دهنده وجود عواملی است که در تحلیل‌های مربوط به عملکرد اقتصادی کشورها نادیده گرفته شده است، که در مدل‌های جدید رشد این عوامل به‌عنوان حکمرانی خوب وارد الگوهای رشد شده‌اند. مطابق یافته‌های پژوهش‌های انجام‌گرفته رابطه بین مخارج مصرفی دولت و تورم با رشد اقتصادی معکوس است و منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد که با استفاده از موضوع حکمرانی خوب که میانگین آن با رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارد می‌توان گفت که با سازوکارهای نو امکان ارائه راه‌حل برای حل این‌گونه مسائل وجود دارد، از جمله این که در پرتو حاکمیت قانون نظام حقوقی سالم بنا شود که خطر ابطال قراردادهای کاهش یابد و اطمینان در جامعه فراهم گردد که این اطمینان سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و به‌نوبه خود بر رشد مؤثر واقع می‌شود. با کاهش خشونت‌های سیاسی و تنش‌های قومی، ملی به ثبات سیاسی کمک گردد، کمیسیون‌هایی جهت رسیدگی به فساد مالی ایجاد گردد که منجر به کنترل فساد گردد، در قانون‌گذاری‌ها شفافیت لازم اتخاذ گردد، دولت در امور تخصصی و تنظیمی اثربخش عمل کند، از مبحث دموکراسی در جهت رشد اقتصادی به کار گرفته شود، به‌این‌ترتیب می‌توان گفت که در جهت رشد اقتصادی گامی روبه‌جلو برداشته شده است. بررسی‌های نگارنده از مطالعات گذشته نشان داد که نخست موضوع حکمرانی خوب در عملکرد بلندمدت رشد اقتصادی حائز اهمیت است، به‌گونه‌ای که ارتباط مثبت و مستقیمی میان حکمرانی خوب و رشد بلندمدت اقتصادی وجود دارد؛ توانایی دولت در فراهم ساختن نهادهای پشتیبان رشد و کاهش فقر و ایجاد حکمرانی خوب، امری حیاتی برای توسعه و رشد اقتصادی است؛ و حکمرانی ضعیف کارایی و بهره‌وری مخارج عمومی را کاهش می‌دهد و فساد و رشوه‌خواری را افزایش می‌دهد و مانع سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی می‌شود.

- ۱- آدینه وند، ع، ارزیابی عملکرد شهرداری‌های هشت‌گانه شهر اهواز در چارچوب حکمرانی خوب شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ۱۳۹۱
- ۲- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجادی، تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۸، چاپ هشتم، ص ۱۱۷.
- ۳- تیرل وال، ا.پ؛ رشد و توسعه، منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۱۶۱-۱۶۲.
- ۴- سامتی، مرتضیو رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت. ۱۳۹۰. تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی. فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم، پائیز ۱۳۹۰: ۲۲۳-۱۸۴
- ۵- سبحانی، ب؛ اعتصامی، م؛ امین پور، خ، بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۳۹۲
- ۶- جلال آبادی، اسدالله و بهرامی، جاوید. (۱۳۸۹). عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در گروه کشورهای مختلف، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۵۱-۲۳.
- ۷- دانایی‌فرد، ح، چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۳، ۸-
- علی بیک، الف، مشارکت شهروندی گامی جهت تحقق حکمرانی خوب، فصلنامه ایران شهر ساز، ۱۳۹۲
- ۹- کوزنتس، سیمون؛ رشد نوین اقتصادی، مرتضی قره‌باغیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۱.
- ۱۰- متوسلی، محمود؛ توسعه اقتصادی، تهران، سمت، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۱۱.
- ۱۱- محمودی، ج؛ رونقی، م؛ رونقی، م، تعیین وزن و رابطه بین شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲
- ۱۲- نیلی مسعود. ۱۳۸۸. مبانی اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف، فصل ۸-۱۳- یوسفی، احمدعلی؛ نظام اقتصاد علوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۳۰۹.

14-Austrian Development Agency (2011). Evaluation of the Austrian Development Cooperation (ADC) Gender Policy between 2004–2011. Federal Ministry for European and International Affairs and the Evaluation Unit of the Austrian Development Agency

.15-Avram, Cristina (2014). *Good Governance and Doing Business: Evidence from a Cross-country Survey*. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, (41), pp. 27-46.

16-Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (2002). *Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01*. *World Bank Policy Research Working Paper*, (2772)

17- Knack, S.& Philip K. (1995). *Institutions and economic performance: cross-country tests using alternative institutional measures*. *Economics and Politics*, 7(3), 207-27.

18- North, D.C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press, Cambridge.

19- World bank 2005. *Governance Indicators, 1996-2004*. Washington D.C: World Bank. Available

<http://info.worldbank.org/governance/kkz2004/tables.asp>